



انترناسیونال ۳۶۳

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۵ شهریور ۱۳۸۹، ۲۷ اوت ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه



فرود ۲۸ اوت ۱۱۰ شهر جهان علیه سنگسار

صفحه ۱۰

کمپین نجات سکینه، راه نجات از جمهوری اسلامی را نشان میدهد

سنگسار يك اسلحه سياسي رژيم اسلامی برای حفظ خود است. سه دهه است که این رژيم جنایتکار با شلاق و اعدام و شکنجه و سنگسار جامعه را به بند کشیده و به عمر ننگین خود ادامه داده است. اعدام مستمر نوجوانان و همجنسگرایان و مخالفین سیاسی از جمله قتل عام ده ها هزار نفر از زندانیان سیاسی دفن آنها در گورهای جمعی بی نام و نشان، سنگسار بیش از ۱۵۰ نفر و

دنیا علیه وحشیگری سنگسار بپاخاسته است

مصاحبه با مینا احدی

انترناسیونال: حدود دو ماه از شروع کمپین جهانی برای نجات سکینه محمدی آشتیانی میگذرد. چه ارزیابی از دستاوردهای تاکنونی این کمپین دارید

زیر بار این گرانی نمیرویم، زندگی انسانی حق مسلم ماست

شهلا دانشفر
جمهوری اسلامی خودش از خطر شورش های شهری، از شورش گرسنگان سخن میگوید. این وضعیت در ادامه يك سال خیزش انقلابی مردم و فضای اعتراضی و ملتهب جامعه نشانگر اوضاعی اضطراری است. همه



با تشکر از خانم شیرین عبادی

کاظم نیکخواه

واقعا اگر يك جایزه صراحت هم بود باید به خانم شیرین عبادی داده میشد. او معنا و حکمت سکوت و سکون بسیاری از جریانات اپوزیسیون در مورد کمپین نجات سکینه آشتیانی از سنگسار را بیان کرد و حرف دل خیلی ها را با صراحتی قابل توجه بیان کرد. بعدا توضیح میدهم که میشد صریح تر بود اما همینقدرش هم از همه آن دیگرانی که در مورد حرکتی با این همه طنین و پژواک در سطح جهان، فقط سکوت کرده اند صریح تر است. خانم شیرین عبادی قرار بوده است در مورد زندانیان سیاسی ظاهرا مصاحبه ای با رادیو فردا داشته باشد. اما فرصت را غنیمت شمرده تا مخالفتش را با کمپین جهانی نجات سکینه بیان کند. شاید هم تمام مساله بیان همین نکته بوده است. شیرین عبادی میگوید " من شخصاً مخالف حکم سنگسار هستم و معتقدم خانم سکینه محملي پس از این که مجازاتش را در زندان متحمل شده باید بیرون بیاید. اما توجه داشته باشید که چگونه يك باره خانم سکینه محمدی تبدیل به کمپین بین المللی می شود و توجه افکار عمومی را به خود جلب می کند تا حدی که ما فراموش می کنیم بر سر زندانیان سیاسی چه می آید. ایشان اینطور ادامه میدهد " ۱۷ زندانی سیاسی اعتصاب غذا کردند و تا پاي مرگ ایستادند، اما متأسفانه نه در سطح ملی و نه در سطح بین المللی آن گونه که باید به این مسئله توجه نشد چون داستان سکینه محمدی را وزارت

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۶ و ۸

بازتاب هفته

هشدار به ساکنین حاشیه امن

بهروز مهر آبادی

ماه رمضان و معضل حکومت

بهروز مهر آبادی

در انکار قساوت

یاشار سهندی

آنچه این وحوش میکنند گفتنش هم دشوار است

بهروز مهر آبادی

صفحات ۵-۴

واردات، یک عرصه دیگر دزدی های مافیای حکومتی!

محمد شکوهی

"کالاهای بی کیفیت" وارداتی را ارائه داده و خواهان همکاری دستگاههای ذیربط با امور واردات و دولت برای جلوگیری از ورود این کالاها به کشور، شده است. بهمنی رئیس کل بانک مرکزی می گوید: بر اساس ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، ۲۷ صنعتی"، لیست بلند بالایی از

صفحه ۹

احمدی نژاد رئیس جمهوری حکومت قتل و جنایت قرار است در ماه سپتامبر در شصت و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک شرکت کند. از همه مردم آزاده دنیا میخواهیم به حضور این موجود ضد بشری در سازمان ملل اعتراض کنند. مردم ایران یکپارچه پیا خاسته اند که این رژیم قرون وسطایی را بگور بسپارند. اعتراض به حضور رییس جمهور این حکومت در سازمان ملل کمک بزرگی به امر سرنگونی این حکومت است.

دنیای علیه وحشیگری سنگسار ...

از صفحه ۱

نه فقط میلیونها نفر از مردم دنیا یکبار دیگر در جریان این فجایع قرار گرفتند، بلکه مردم دنیا بپاخواستند و اعلام کردند که دیگر نمیگذارند این فجایع اتفاق بیفتد. این کمپینی بود که دنیا را بیش از پیش متوجه فجایعی کرد که دولتهای اسلامی و باندهای تروریست اسلامی، علیه مردم و علیه زنان اعمال میکنند.

نزدیک شدیم. سخنگویان این حرکت و موتور محرکه آن چپها بودند، ایجاد سمپاتی و احترام به کمونیسم و چپ، به کمونیسم مدافع جهانشمولی حقوق انسانی و مدافع انسانیت و شکل گیری و گسترش اعتراض عمومی و جهانی به سنگسار و اعدام و جمهوری اسلامی از زاویه نقد رادیکال و آزدیخواهی و برابری طلبی عمیق کمونیسم کارگری یک دستاورد دیگر این حرکت بود. بهر حال دستاوردهای این حرکت بسیار بود. شاید مهمترین آن، بهم وصل کردن دستها و قلبها، مستقل از ناسیونالیته و رنگ پوست و عقاید بود. امروز دستهای مردم ایران با دستهای مردم امریکا و برزیل و ترکیه و سوئد و دانمارک و آلمان و کانادا بهم وصل شده و همه بپاخته اند تا سکنه را نجات دهند و تا به بربریت اسلامی به اسم سنگسار پایان دهند.

انترناسیونال: موقعیت کنونی کمپین چگونه است؟ کجای کار قرار داریم؟ قدم های بعدی شما بعنوان سخنگوی کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام چیست؟

مینا احدی: ما هنوز سکنه را از زندان نجات نداده ایم. همین امروز خبر رسید که سکنه بسیار نگران است و در وضعیت روحی بدی قرار دارد. همین امروز شنیدیم که فشارها بر او بیشتر شده و فرزندان او نگران هستند که مبادا، بدون خبر او را اعدام کنند. این نگرانی بزرگ ما هم هست. با وجود این جنبش گسترده و عظیم و با وجود اینکه میلیونها نفر اعتراض کرده و فشار بر جمهوری اسلامی بسیار زیاد است، اما حکومت کماکان مقاومت میکند. سنگسار و اعدام ستون این حکومت است و هر نوع عقب نشینی حکومت در مقابل اعتراضات و دست کشیدن قاتلین از آدمکشی به معنای مرگ حکومت شان است. بنظر میرسد هنوز نمیدانند چه باید بکنند. البته حکومت اسلامی به تشبیهات متعددی متوسل شد. سکنه را به زور و اجبار به تلویزیون کشاند و از اعتراف گرفتار کوشید به ما و



شخصا به من حمله کند و با تحت فشار گذاشتن خانواده سکنه و خود او مانع ارتباط با رسانه ها و افکار عمومی جهانی بشود.

اما کمپین با وسعت و قدرت به پیش رفت و اکنون ما برای برگزاری بزرگترین اعتراض جهانی علیه سنگسار یعنی صد شهر جهان علیه سنگسار در روز ۲۸ اوت آماده میشویم.

استراتژی حکومت اسلامی وقت خریدن، ایجاد شکاف در کمپین و در عین حال عوض کردن موضوع از سنگسار به موضوع اعدام و مطرح کردن دخالت سکنه در قتل همسرش است.

در برنامه های تلویزیونی هم ابتدا حرفی از سنگسار نزد و فقط گفت موضوع قتل آلوده به فساد، موضوع مورد بررسی است و نه موضوع رابطه جنسی خارج از ازدواج و محکومیت به سنگسار.

ما در مقابل این ترفند ایستاده و با سند و مدرک گفتیم که سکنه بی گناه است و به اتهام رابطه خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شده و پرونده قتل همسر او بسته شده است. اکنون باید برای نجات سکنه و آزادی او اعتراضات را گسترده تر کرده و فشار بین المللی و فشار دولتها را متوجه این نکته کنیم. سکنه باید آزاد شود و این امر باید فوراً اتفاق بیفتد. برای تحقق عملی این مهم باید با تمام قوا دور جدید اعتراضات را پیگیری کنیم.

انترناسیونال: اخیراً آقای مصطفائی در مصاحبه با روز آنلاین اظهار داشته مساله حقوق بشر و مشخصاً مساله سکنه سیاسی نیست و عده ای که مخالف جمهوری اسلامی هستند از این مساله سوء استفاده سیاسی میکنند. در این مورد نظراتان چیست؟

مینا احدی: داستان آقای مصطفائی، فقط به این اظهار نظر ایشان محدود نیست. ایشان اخیراً در

صفحه ۳

کمپین نجات سکنه، راه نجات از ...

از صفحه ۱

بخشی از کارنامه سیاه این حکومت است. محکومیت سکنه محمداً آشتیانی به سنگسار و اعدام نمادی از ماهیت جنایتکارانه و ضد انسانی رژیم اسلامی است؛ و مبارزه برای آزادی سکنه نیز نماد و بخشی از مبارزه مردم ایران - و جهان - برای خلاصی از شر این حکومت قرون وسطایی است. سه دهه است مردم ایران مبارزات مستمر و پیگیری را در عرصه های مختلف علیه این حکومت جنایتکار به پیش میبرند. این مبارزات در تابستان سال گذشته به اوج خود رسید و توجه جهانیان را بخود جلب کرد. ندا آقا سلطان یک چهره و سمبل این جنبش انقلابی و سکنه آشتیانی نماد دیگری از این جنبش است. ندا قربانی شد ولی سکنه را میتوانیم و باید نجات بدهیم. نجات سکنه گام بزرگی بجلو در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در مقابل کل جنبش اسلام سیاسی در سراسر جهان خواهد بود.

تروریسم اسلامی امروز در خاورمیانه، در شمال آفریقا و در کل جهان دست بجنایت میزند و جمهوری اسلامی ستون فقرات این تروریسم بین المللی اسلامی است. زیر کشیده شدن این حکومت بقدرت مردم ایران ضربه محکمی به کل جنبش اسلامی در

کنفرانس مطبوعاتی ۲۶ اوت ۲۰۱۰ در واشنگتن دی سی در مورد پرونده سکنه محمداً آشتیانی و کمپین جهانی برای آزادی او

در این کنفرانس همچنین آخرین تحولات مربوط به حرکت "صد شهر جهان علیه سنگسار"، متن بیانیه سراسری این آکسیون جهانی و اقدامات بعدی جهت ارائه اسناد کمپین جهانی نجات سکنه به سازمان ملل در نیویورک و طرح خواست ممانعت از ورود احمدی نژاد به مجمع عمومی امسال به اطلاع رسانه ها رسید. گزارش مشروع این کنفرانس مطبوعاتی در شماره بعدی نشریه انترناسیونال خواهد آمد.

همزمان با صفحه بندی نشریه انترناسیونال یعنی شب گذشته ۲۶ اوت مینا احدی سخنگوی کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام و ماریا روهای هماهنگ کننده میشن فری ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر واشنگتن دی سی آمریکا شرکت کردند. موضوع این کنفرانس اطلاع رسانی در مورد آخرین اطلاعات و تحولات در مورد پرونده سکنه محمداً آشتیانی و دیگر محکومین به سنگسار در ایران بود.

www.missionfreeiran.com
<http://stopstonningnow.com>
<http://notonemoreexecution.org/>

زنده باد سوسیالیسم!

زیر بار این گرانی ... از صفحه ۱

شهلا دانشفر



مردم در کمین فرصتی برای بیان اعتراضاتشان هستند. همه جا بحث بر سر گرانی و فلاکتی است که بر سر مردم آمده است. البته نه گرانی موضوع جدیدی در این جامعه است و نه فقر و فلاکتی که گریبانگیر مردم است. ۳۱ سال است که مردم زیر فشار اقتصاد لایه شده اند و هر روز وضع به وخامت بیشتری کشیده شده است. جمهوری اسلامی عامل همه این بدبختی ها و فلاکت مردم است. این رژیم که پایه های حکومتش را با سرکوب و قتل و جنایت بنا کرده است، از همان بدو حاکمیتش با بحران سیاسی روبرو بوده و این بحران تار و پود اقتصادش را در هم ریخته است. جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده است، بار این بحران را بر دوش مردم بیندازد و نتیجه اش فلاکت هر روز بیشتر مردم بوده است.

اما آنچه امروز به این وضعیت ویژگی میدهد، در هم ریختگی شیرازه های این حکومت و چرخهای اقتصادی آنست. اقتصاد کاملاً فلج شده است و مردم بی پناه و بدون هیچ تামینی در کام این بحران دارند خرد میشوند. فضایی از خشم و اعتراض در جامعه کاملاً قابل مشاهده است. در سطح جهانی منزوی تر از هر وقت است. دعوای درون حکومت به جایی رسیده است که از همان تارک این رژیم تا پایینش شکاف برداشته است و دعوا بر سر نحوه انداختن بار بحران بر دوش جامعه، دعوا بر سر چگونگی مقابله با مردم به جان آمده و دزدی ها و به چاپ به چاپ هایشان یکی از موضوعات حاد اختلافاتشان است. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی به سیم آخر زده است و با طرح "هدفمند کردن یارانه ها" یورش دیگری به معیشت و زندگی کل جامعه برده است. طرخی که نه تنها همان چندرقاز سوبسیدی که به برخی کالاها از جمله به گفته خودشان کالاهای حامل انرژی مثل آب، برق، بنزین، نفت، گاز، نفت کوره، نف سفید، و سایر مشتقات نفت و نیز کالاهای اصلی مثل گندم و برنج و شکر و روغن پرداخت میشود را حذف کرده اند، بلکه با واگذاری قیمت آنها به بازار قیمت همه این

و محرومیت نمیخواهند. این جنبشی است که کل بساط این رژیم را جارو خواهد کرد و باید از هم اکنون خود را برای آن سازمان دهیم و به استقبالش برویم.

امروز در شرایطی که جمهوری اسلامی در حلقه محاصره کل جامعه و انزوای بیش از پیش جهانی قرار دارد، اکنون که چنین صفوفش در هم ریخته و به جان هم افتاده اند، بعنوان اولین قدم باید به تدارک اعتراضی سراسری علیه این وضعیت فلاکت بار، علیه گرانی و همه مصائبش برخاست. شعار زندگی انسانی حق مسلم ماست، شعاری که کارگران در هفت تپه و در اعتراضاتشان در مناسبتهای مختلف فریاد زدند، امروز آن شعار محوری است که کل جامعه میتواند دورش گرد آید. اعلام کنیم که بحران این رژیم به ما مردم ربطی ندارد. مناقشه اتمی و دعوایش بر سر آن مساله ما مردم نیست. ما یک زندگی انسانی میخواهیم. رفاه و معیشت مناسب حق ماست. با تنگ تر کردن حلقه مبارزه مان حول خواستهای فوری ای که داریم به این رژیم امان ندهیم. اکنون بیش از هر وقت فرصت برای دامن زدن به یک جنبش مطالباتی قدرتمند در کل جامعه فراهم است. باید دست بکار شویم. اعلام کنیم که زیر بار هزینه گران برق و آب و گاز و این گرانی نمی رویم. در کارخانجات و در محلات و در همه جا صف اعتراضمان را حول این خواستها متحد کنیم. کارگران، معلمان، پرستاران، و همه ما مردم حول خواست افزایش فوری دستمزدها و در گام اول یک میلیون جمع شویم و طومارهای اعتراضی بدهیم و با اعتصابات اختطاری و تجمعاتمان بر این خواست و بر روی نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده خود بکوبیم. تصمیم بگیریم و اعلام کنیم که ما مردم پول برق را نمیدهیم. برق، آب، درمان و بهداشت، تحصیل باید رایگان باشد.

میتوان در تمام محلات این جنبش را سازمان داد. در همه محلات با بیانیه هایمان این را به دولت اخطار دهیم و با تجمعات اعتراضی مان و مبارزه متحدان اجازه ندهیم که خللی در تصمیمان وارد کنند. اعلام کنیم که ما مردم

خواهان سوسید به کالاهای اولیه زندگی مان هستیم. اعلام کنیم که داشتن مسکن حق مسلم ماست و باید تسهیلات لازم برای تامین مسکن در اختیارمان قرار گیرد. یک ماه بیشتر به شروع مدارس باقی نمانده است، اعلام کنیم که کودکان ما باید بتوانند به مدرسه بروند و همه مردم محل با هم کودکانمان را به مدرسه ببریم و در برابر هر مانعی متحدانه بایستیم. اینها همه راهکارهاییست که باید بنشینیم و در جمع هایمان بر سرش بحث کنیم و

دنیا علیه وحشیگری سنگسار ...

مورد پرونده سکینه اظهار نظرهایی کرده که بر علیه خانم آشتیانی است. از جمله در مورد دست داشتن سکینه در قتل همسرش. مصطفایی وکیل سکینه در پرونده سنگسار بوده و اصلاً در مورد پرونده قتل همسر سکینه دخالتی در پرونده نداشته است. من دو سال قبل از ایشان خواستم که به پرونده سکینه در مورد سنگسار رسیدگی کند و ایشان هم قبول کرد. اکنون برخلاف انتظار من و فرزندان سکینه و همه کسانی که برای نجات سکینه تلاش میکنند، ایشان حرفهای دادستان را تکرار میکند و اصرار هم دارد که سکینه در قتل دست داشته است. این یعنی بازی در زمینی که حکومت اسلامی، آنرا شروع کرده است. در ادامه همین خط است که ایشان در مصاحبه با روز آنلاین بحث جدا کردن مساله سکینه و سنگسار از سیاست و سوء استفاده سیاسی را مطرح میکنند.

همه میدانند در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همه چیز سیاسی است - این نکته را حتی مصاحبه گر تلویزیون بی بی سی در برنامه هارد تاک به آقای مصطفایی یادآوری کرد- از لاک زدن به ناخنها، تا لباس روشن پوشیدن، تا آرایش موی مردان و تا دست دادن به همدیگر تا راه رفتن و آب خوردن در ماه رمضان و تا غیره و غیره. چگونه

است که سنگسار و اعدام سیاسی نیستند؟! کسانی که این نوع حرفها را میزنند، غیر سیاسی نیستند بلکه خواسته یا ناخواسته سیاست معینی را دنبال میکنند: سیاست دفاع از جمهوری اسلامی را. این همان خط شناخته شده و امروز دیگر کاملاً بی اعتبار "مرمت رژیم با هدف حفظ کلیت نظام" است. به نظر من آقای مصطفایی بهتر است کمی فکر کند و حرف بزند. این حرفها امروز دیگر حتی در بین نزدیکترین دوستانش نیز خریداری ندارد.

انترناسیونال: انتظارتان از مردم، از افکار عمومی جهانی و رسانه های بین المللی چیست؟

مینا احدی: این کمپین را با همین قدرت و وسعت همراهی کنند. این کمپین نه فقط برای سکینه مهم است، بلکه در عین حال کمپینی است علیه سنگسار و علیه اعدام و این کمپین نه فقط جان سکینه را نجات میدهد و فرزندان او را کمک میکند که کابوس اعدام و یا سنگسار مادرشان را نبینند، بلکه در عین حال نشان میدهد که به یاری مبارزات مردم ایران آمده و کمک میکنیم که از دست این سیاهی و تباهی نجات یابند.

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

در انکار قساوت

یاشار سهندی

۲۲ سال پیش در چنین ایامی خبرهای بس هولناکی میان ما میچرخید. باور آن خبرها که از زندانها میرسید دشوار بود. شایعات هم بسیار هولناک بود: "مردم محله خاوران چندی است با سگانی رویو میشوند که اعضای بدن انسان را به دندان دارند". "رزی از خون از جلوی زندان اوین تا گورستان خاوران بر روی آسفالت بر جای مانده است". "دیشب صدای رگبار مداوم از اوین به گوش میرسیده است". "برای سرعت در کار همه زندانیان را در آملی تاشتر زندان به رگبار بستند"... اینها حقیقت نداشت. اما اصل واقعه حقیقت داشت. نمی خواستیم باور کنیم: "مگر ممکن است". متاسفانه ممکن شده بود. ۷ سال بود که روزی نبود که خبر به قتل رسیدن رفیقی به گوشمان نرسیده باشد. اما در مرداد و شهریور یک پرده دیگر از جنایاتی دهشتناک از حاکمان سفاک به اجرا گذاشته شد. شخص خمینی دستور قتل عام زندانیان سیاسی را صادر کرده بود و در زندانها دستگاه کشتار شبانه روز مشغول قصابی بود. و "خاوران" سندی زنده شد از یک جنایت فجیع. از همان زمان اما تلاشی همه جانبه شروع شد که این جنایت لاپوشانی شود و دامان حضرات از آن پاک گردد. اولین کسی که خود را از جنایت رژیم مبرا کرد منتظری بود. او که چندین سال قائم مقام، "امام عارفان" بود که دستور کشتار را بی وقفه در سخنرانی های علنی و در فتوای مخفی اش صادر می نمود، یکباره یادش آمد که "برادران روی ساواک شاه را سفید کردند". و روی به امام عظیم الشان ترش کرد که منجر به خلع ید و حبس خانگی اش شد. و این گویا سندی شده که دامان ایشان از جنایت این حکومت سفاک پاک گردد و این رویه ای شده است که میخواهند یکی یکی دامان عاملان و آمران این کشتار دسته جمعی را از این جنایت مبرا سازند. حالا نوبت به میرحسین موسوی و دیگر شرکا رسیده است که بی تقصیر و بی خبر جلوه داده شوند و در کمال بی شرمی دارند کار را به آنجا میکشند تا اینگونه جلوه دهند، مقتولین خود

میکنند و مدعی اند "بخش اعظم افراد آن دم و دستگاه از این ماجرا بی اطلاع بودند. بعد ها از دهان این و آن شنیدند!" میگویند: "نخست وزیر که از کارهای وزیر دفاع اش خبر نداشت از کجا میدانست در زندان چه خبر است!" این ادعاها را "فرهمنده علیپور" (ایشان مفسر رسمی بی بی سی نیز هست) در نوشته ای با عنوان "اعدامهای ۶۷ و هوشیاری سزها" به طرز وقیحانه ای تکرار کرده است. ایشان معتقدند آنها که یقه میرحسین را بابت کشتار زندانیان سیاسی ۶۷ میگیرند "گروه کوچک اما پر هیاهو هستند" و از اینکه میرحسین رهبر اعتراضات مردم شده است ناراحت هستند و نمی خواهند باور کنند میرحسین آدم دیگری است. و مدعی است کشتار دهه ۶۰ و بخصوص سال ۶۷ نتیجه عملکرد سازمان مجاهدین خلق است. و آنها هم که اکنون پی این ماجرا را می گیرند کسانی هستند که "نمی خواهند آزاد شوند!!" و در جواب ایشان "جعفر بهکیش" از همان طیف سبز در نوشته ای دیگر به نام "اصلاح طلبان حکومتی و اعدامهای ۶۷" در جواب به علیپور میگوید: نمی شود این جنایت عظیم را کتمان کرد و باید کسی پاسخگو باشد و در طی نوشته مشخص میشود که "ابهامات" زیادی بنا به گفته ایشان وجود دارد. ایشان تاکید میکنند: "به نظر نقشی که نیروهای مختلف سیاسی در کشتارهای دهه ۶۰ بر عهده داشته اند، با ابهامهای زیادی رویرو است" این دهه مشخص از عمر نکبت بار جمهوری اسلامی با ابهامات زیادی رویرو نیست بلکه سعی دارند که با ابهامات زیادی رویرویش کنند تا رهبران را از این جنایت مبرا سازند. جناب بهکیش با وجود فاکتلهایی که خودش ارائه میدهد و بر حرفهای مصطفی تاجزاده و موسوی تبریزی و رفسنجانی متکی است و نشان میدهد اصلاح طلبان حکومتی (خط امامی ها) در آن دوران بر حاکمیت مسلط بودند، باز تاکید میکند که "ابهامات زیادی" باقی مانده است! جناب بهکیش حداقل زندانیان جان باخته را به عنوان زندانی سیاسی به رسمیت میشناسد اما جناب علیپور اکراه دارد برای یکبار هم شده مقتولین آن جنایت سبعانه را زندانی سیاسی خطاب کند بلکه آنها را "اسیران" میشمارد. گویا جنگی

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جانی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران
- ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

درگیر بوده که دو طرف تیرو تفنگ در کردند و از هم اسیر گرفتند. نباید "همه بنیان ها و دست آوردهای کشور را نیز نادیده بگیرد!" بله، مشکل فقط دفاع از میرحسین نامی نیست، بلکه دفاع بی شرمانه از یک جنبش ضد انسانی است. امیدوارم یکی پیدا شود و بگوید دستاوردها این کشور در این سی و یک سال غیر از ظلم و ستم و فقر در حد بی نهایت، آن، همراه با چاشنی بمب اتم و جنگنده "کرار" چی بوده است؟ همانقدر که خرابه های آشویتس گویای عمق جنایت فاشیسم هیتلری است. گورستان خاوران نیز نشانه عمق ددمنشی جنبش اسلام سیاسی است. اگر خرابه های آشویتس را بریا نکه داشتند تا یادآور جنایات آن جنبش باشد خاوران نیز باید برپاماند تا نشان داده شود که اسلام سیاسی یک جنبش عمیقاً جنایت کار است. و تلاش امثال علیپورها و بهکیش ها مانند تلاش منکران جنایت فاشیستهای هیتلری شمری ندارد جز اینکه ایشان را در کنار قصابان "فرزندان آفتاب" قرار میدهد. *

بازتاب هفته

هشدار به ساکنین حاشیه امن



بهروز مهر آبادی

که سرمنشأ این اتفاقات و اقدام ها بودند، مورد تعقیب قرار نگرفته اند، افرادی که مورد تعقیب قرار گرفته اند کسانی هستند که یا مامور بودند و کسان دیگری به آنها امر می کردند و یا مجازات هایی که برای آنها تعیین شده منطبق با اقدام ها و اعمالی که انجام داده اند، نیست. پیگیری خانواده های قربانیان جنایات کهریزک که برخی از آنها از نزدیکان رژیم بودند، برای تعقیب آمران و عاملان اصلی ادامه یافت. خانواده ها خواهان محاکمه عاملان اصلی از جمله سعید مرتضوی شدند و انتصاب سعید مرتضوی به ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعتراضات زیادی را برانگیخت. او علاوه بر کهریزک بعنوان قاضی دادگاه امنیتی تهران، دادگاه مطبوعات و دادستان تهران ارتکاب جنایات متعددی را در پرونده خود دارد. او از طرف دولت کانادا یکی از مجرمین اصلی قتل زهرا کاظمی معرفی شده است.

خامنه ای برای آرام کردن اعتراضات بعضی از خانواده های قربانیان کهریزک را ملاقات کرد. او در این ملاقات گفت: "عنوان مجرمانه اگر ثابت شود حاشیه امنی برای هیچ کس نیست". بر خلاف تفسیری که رسانه های هوادار رژیم از صحبت های خامنه ای دادند، این گفته را می توان در حقیقت هشدار به معترضان داخل نظام تلقی کرد. از بین رفتن حاشیه امن برای همه نزدیکان رژیم يك خطر جدی پیگیری ماجرای کهریزک است. عبدالحسین روح الامین پدر یکی از قربانیان کهریزک، که خود از وابستگان رژیم و از نزدیکان خامنه است، در مصاحبه ای هدف دادگاه کهریزک را دفاع از هتک حیثیت به نظام و نیروی انتظامی و قوه قضائیه اعلام کرد. مسئله ای که بارها از جانب دست اندرکاران و رسانه های جمهوری اسلامی مطرح شد که مبادا کهریزک خدشه ای به چهره جمهوری اسلامی وارد کند. اما کوس رسوائی و بی آبرویی رژیم در دنیا زده شده و این چهره کریه تر از هر زمان دیگری خود را به دنیا نشان داده است.

عبدالحسین روح الامینی در يك مصاحبه خبر از برگزاری دادگاه دوم برای محاکمه عاملان اصلی جنایات کهریزک داده است. منظور آقای روح الامینی هر چه باشد دادگاه دیگری نیز بر پا خواهد شد. این دادگاه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد بود و در آن تمام دست اندرکاران رژیم در طول حکومت ۳۱ ساله باید جوابگوی جنایات خود باشند. این دادگاه پشت درهای بسته نخواهد بود و همه دنیا با خبر می شود که چه جنایات فجیعی توسط اوپاشان نظام اسلامی انجام شده است. چنین محاکمه ای به سعید مرتضوی و یاران او محدود نیست. "حاشیه امنیت" از هم خواهد پاشید و ساکنین آن در پای میز محاکمه قرار خواهند گرفت.*

ماه رمضان و معضل حکومت بهروز مهر آبادی

ماه رمضان همیشه ماه تشدید و افزایش سرکوب ها در حکومت اسلامی بوده است. اما مدتهاست که ایام و مراسم مذهبی موقع تعرض مردم به حکومت و سنتهایش نیز هست. امسال هم مانند همیشه رژیم نیروهای خود را برای ماه رمضان بسیج کرد. برنامه های وسیع تبلیغاتی از رسانه ها و رادیو تلویزیون رژیم به راه افتاد. نیروهای سرکوبگر رژیم در اکثر میادین و مراکز پررفت و آمد مستقر شدند، گروه های لباس شخصی و سایر اوپاش رژیم در خیابانها و محله ها به راه افتادند. دولت و نیروهای انتظامی بخشنامه های تهدید آمیز صادر کردند. خودرو ها و بخصوص آنها را که سرنشینان آنها جوان بودند، متوقف ساخته و آنها را به بهانه مدل موی سر، خوردن و آشامیدن در داخل خودرو و یا گوش دادن به موزیک مورد آزار و توهین قرار دادند. در اولین روزها فقط در آذربایجان شرقی ۷ نفر به بهانه روزه خواری دستگیر، شش واحد تعطیل و به ۵۰ واحد صنفی تذکر داده شد. نیروی انتظامی اعلام کرد که خودروهایی را که سرنشینان آنها روزه خواری کنند، به مدت سه روز توقیف می کند. اما مردم برای این فشارها و

بگیر و بسند های رژیم تره خورد نکردند. تقی رهبر نماینده اصفهان که از رقص و آوازخوانی شبانه در يك فرهنگسرا دچار وحشت شده بود، فریاد اعتراض خود را بلند کرد که سینما و تلویزیون و فرهنگسرا ها باعث شده که مساجد خلوت شود و اتفاقات بدی بیفتد! رقص مختلط در يك فرهنگسرای کودک در شیراز پایه های حکومت اسلامی را به لرزه انداخت. روزه خواری يك بازیکن فوتبال جنجال به پا کرد و رسماً اعلام شد که ۹۵ درصد بازیکنان فوتبال روزه نمی گیرند. يك سایت طرفدار رژیم اعلام کرد: "تظاهر به روزه خواری از سوی برخی افراد، صرفاً با هدف قداست شکنی و توهین علنی به متدینین و آحاد مردم انجام می شود" و ناله کرد که: "متأسفانه نیروی انتظامی کمترین واکنش و برخوردی را از خود نشان نمی دهد". سایت حکومتی دیگری از گسترش کشف حجاب در ماه رمضان خبر داد. اعلام شد که بسیاری از مراجعان به مجلس شورای اسلامی روزه خواری می کنند و برای احکام اسلامی تره هم خورد نمی کنند. نیاز به هیچ تفسیری نیست. شلاق و زندان و تحقیر و شکنجه نتوانسته است قداست احکام اسلام و ماه "مبارک" رمضان را به مردم ایران تحمیل کند. توازن قوا عوض شده است و برپایی مراسم اسلامی تا حد زیادی به معضل حکومت در برابر مردم تبدیل شده است.*

آنچه این وحوش میکنند گفتنی هم دشوار است

بهروز مهر آبادی

دادگاهی در شهر تبوک در عربستان مردی را محکوم به قطع

نخاع و فلج شدن محکوم کرده است. این مرد متهم است که در يك نزاع موجب فلج شدن مرد دیگری شده است. قاضی سعود بن سلیمان یوسف از بیمارستان ها برای اجرای حکم کمک خواسته است. اما پزشکان و بیمارستان های عربستان از اجرای این عمل جنایتکارانه خودداری نموده اند. گفته می شود که ممکن است این حکم در کشور دیگری و احتمالاً در یمن اجرا شود. این امر وجود يك گرایش قوی در مخالفت با قوانین اسلامی در عربستان را نشان می دهد. عفو بین الملل و بسیاری از سازمان های دفاع از حقوق بشر به این حکم غیرانسانی اعتراض کرده اند. این امیدواری وجود دارد که ابزار انزجار جهانی و اعتراض شدید سازمانهای دفاع از حقوق بشر از جمله عفو بین الملل، بتواند مانع انجام این حکم شود. اجرای قوانین مجازات اسلامی همچون قصاص در عربستان امری عادی است. گردن زدن، قطع دست و پا و در آوردن چشم در ملاء عام انجام شده و خبر آن در رسانه ها منتشر می شود. در سال ۲۰۰۵ طبق حکم دادگاه همه دندانه های يك محکوم کشیده شد. انجام این جنایت ها توسط حکومت عربستان توسط هیچ دولتی محکوم نشده و سازمان ملل در این موارد واکنش جدی نشان نداده است. این را باید به حساب روابط گرم و صمیمانه شیوخ میلیاردر نفتی با بسیاری از دولتهای جهان گذاشت. توقع بیشتری هم نمی توان از دولتهای حاکم بر جهان داشت وقتی که روزنامه نیوزویک همزمان با پخش این خبر ملک عبدالله پادشاه عربستان را در در میان ده رهبر حکومتی که در جهان بیشتر از همه مورد احترام هستند، قرار داد!

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

اطلاعیه شماره ۲۴:

حمایت جهانی در حمایت از کارگران زندانی گسترش می یابد

قطعنامه اضطراری فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران
حمل و نقل (آی تی اف)

دستگیری کارگران در ایران و فشار بر روی آنان با اعتراض کارگران در ایران و در سطح جهانی روبروست. در ایران تشکلهایی که به همت خود کارگران تشکیل شده است، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و کارگران ایران خودرو با بیانیه های خود و با اطلاعیه های جمعی خود این دستگیری ها را محکوم کرده اند. جمع های از کارگران با سرزدن به خانواده رضا شهابی همبستگی خود را با این کارگر زندانی و خانواده او و کارگران زندانی اعلام داشتند. همچنین از سوی تعدادی از کارگران شرکت واحد اطلاعیه هایی در حمایت از رضا شهابی و کارگران زندانی در فرارگاههای مختلف شرکت واحد پخش گردید.

در سطح جهانی نیز این موضوع با اعتراض اتحادیه های کارگری روبرو شده است. از جمله ففو بین الملل بعد از دستگیری سعید تریان و رضا شهابی اعلام به اقدامی اضطراری کرد. همچنین از سوی اتحادیه های ژت در فرانسه، اتحادیه ساختمانی معادن و جنگلپای بخش ساختمانی، دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه بین المللی کارگران، اتحادیه کارگران پست کانادا، اتحادیه کارگران صنایع تولیدی استرالیا، اتحادیه بین المللی ترانسپورت، بزرگترین اتحادیه های کارگری در اسپانیا در رابطه با دستگیری کارگران و فشار بر روی رهبران کارگری، نامه هایی اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی ارسال شده است که در این نامه ها بر خواست آزادی فوری کارگران زندانی، حق کارگران در داشتن تشکل های خود، آزادی برپایی تجمعات و حق برپایی مراسم اول مه تاکید شده است.

از سوی دیگر دو اتحادیه بین المللی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در نامه هایی به سازمان بین المللی کار، آی

دهند، و از دیگر اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهد که از کمپانی هایشان که در ایران فعالیت دارند، مانند خودروسازی، صنایع نفتی و صنایع فلزی، بخواهند تا اتحادیه های کارگری مستقل را به رسمیت بشناسند. متن این قطعنامه ضمیمه است.

گفتنی است که همزمان با تشکیل این کنگره "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" تلاش کرد که نامه فراخوان به همبستگی با کارگران زندانی در ایران را به این اجلاس برساند. همچنین منوچهر مهدوی تبار از کارگران سابق شرکت واحد و از امضا کنندگان فراخوان این کمپین، مستقیماً نامه ای به این کنگره نوشت که در آن خواهان تصویب قطعنامه و مصوبه ای در حمایت از کارگران زندانی شرکت واحد و همه کارگران زندانی شده بود.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" ضمن قدردانی از قطعنامه اضطراری فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران حمل و نقل (آی تی اف)، بر تداوم این حمایت ها تاکید دارد و برای جلب همبستگی جهانی کارگری و رساندن اعتراض کارگران و مردم ایران به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تلاش میکند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد

شهلا دانشفر

0044-77798 98968

بهرام سروش

0044-7852 338334

۱ شهریور ۱۳۸۹-۲۳ اوت ۲۰۱۰

*** **

ضمیمه:

متن قطعنامه مصوب کنگره فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران حمل و نقل (آی تی اف) چنین است:

"۱- با توجه به اینکه چهل و یکمین کنگره فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل که در سال ۲۰۰۶ در شهر دوربن - در آفریقای جنوبی - برگزار شد، خواستار آزادی منصور اسانلو رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد که به عضویت ITF درآمد است - گردید و مقامات ایران از آن درخواست، پیروی و او را در روز پایانی کنگره آزاد کردند،

۲- با توجه به این که منصور اسانلو در کنفرانس فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل زمینی و شورای عمومی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (ITCU) در

سال ۲۰۰۷، حضور یافت اما اندکی بعد از بازگشت اش به ایران، توسط ماموران امنیتی، در اتوبوس رفته شد و از آن زمان تاکنون در زندان بسر می برد،

۳- با سپاس عمیق از همه اتحادیه های عضو فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل که در مراسم "روزهای همبستگی جهانی با کارگران ایران" شرکت کردند، با سپاس عمیق از بازرسان فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل که به کشتی های ایران سر زدند، با سپاس عمیق از فعالان اتحادیه ای که در همبستگی با اسانلو به ایران مسافرت کردند و با سپاس عمیق از دیگر اتحادیه ها که با اعطای جوایز افتخاری و پذیرش سندیکای کارگران شرکت واحد، به عنوان عضو افتخاری، این سندیکا را گرامی داشتند،

۴- کنگره یک بار دیگر، اوج گیری حملات به حقوق کارگران در ماه های گذشته و زندانی شدن بیش از ۵۰ نفر از فعالان اتحادیه ای را محکوم می کند و نگرانی عمیق خود نسبت به خبر زندانی شدن رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که بیش از یک ماه است از تماس وی با خانواده و وکیل اش جلوگیری می شود و اینکه او در زندان دچار ناراحتی کمر و گردن شده است را اعلام می دارد،

۵- با توجه به اینکه دولت ایران در رابطه با شکایتی که در ژوئن ۲۰۱۰ از سوی ITF و ITCU به کمیته آزادی تشکل در سازمان جهانی کار (ILO) ارائه گردیده بود، به این سازمان اعلام کرد که اسانلو به زودی از زندان آزاد خواهد شد،

۶- با توجه به نگرانی عمیق از اینکه از آن تاریخ به بعد، اتهامات دیگری را به اسانلو نسبت داده اند، و این که هیچ نشانی وجود ندارد که دولت ایران تعهدی را که به سازمان جهانی کار داده است، محترم خواهد شمرد،

۷- با آگاهی به این امر که دبیر کل ITF بلافاصله بعد از اعلام تعهد

دولت ایران برای آزادی اسانلو از زندان، از او دعوت کرد که در چهل و دومین کنگره ITF شرکت کند، اما مقامات ایران از رساندن این دعوت نامه به اسانلو در زندان خود داری کردند،

۸- با استقبال از اینکه ITF توانسته است با دیگر سازمان های جهانی اتحادیه ای مانند ITUC و فدراسیون اتحادیه های کارگران مواد غذایی (IUF) و سازمان بین المللی معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (EIA) و نیز با فعالان حقوق بشر در عفو بین الملل، پیوند محکمی ایجاد کند،

۹- با آگاهی از اینکه نهادهای کارگری در بخش دریانوردی در ایران با ITF تماس گرفته و خواهان عضویت در آن شده اند، این کنگره:

الف- از دولت ایران می خواهد که همه فعالان اتحادیه ای را که در زندان بسر می برند، فوراً آزاد و به تعهد خود برای آزادی منصور اسانلو، عمل کند.

ب- از همه اعضای هیئت مدیره ITF و اتحادیه های وابسته به آن می خواهد که به فعالیت های خود در حمایت از اسانلو، ابراهیم مددی و رضا شهابی و نیز همه رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر رهبران اتحادیه ای که زندانی شده اند و مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند، ادامه دهند.

پ- از هیئت مدیره ITF می خواهد برای هر سازمان سندیکایی در ایران که می خواهد به عضویت ITF درآید، روشن سازد که حمایت علنی و فعالانه از کارزار حمایت از اسانلو، شرط اصلی عضویت در ITF است.

ت- از دیگر اتحادیه های کارگری در سراسر جهان درخواست می کند که از کمپانی های خود که در ایران فعالیت دارند، مانند خودروسازی، صنایع نفتی و صنایع فلزی، بخواهند تا اتحادیه های کارگری مستقل را به رسمیت بشناسند؛ و از ITF درخواست می کند که تا با این گونه ابتکارات همکاری کند.

Shahla_Daneshfar@yahoo.com

Bahram.Soroush@gmail.com

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و

پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/blog-page.html>

با تشکر از خانم شیرین عبادی

از صفحه ۱



"بدون گناه" و فقط به جرم آزادیخواهی در زندان هستند. و چون این کار روشن و منطقی را نکرده ایم این ما هستیم که مقصریم که زندانیان سیاسی به چنین وضعی افتاده اند. "در غیاب توجه ما افرادی مانند شیوا نظر آهاری در چنین شرایطی قرار میگیرد" یعنی ما مقصر شرایط زندان و قرار گرفتن شیوا نظر آهاری در آستانه اعدام هستیم. این "ما" هم معلوم است که کیست خود ایشان و هم پالگیهایشان که نیستند بلکه روشن است که منظور آنهاست که "داد و قال و جنجال" برای سکنینه راه انداخته اند.

نتیجه اینکه اول باید برای زندانیان سیاسی مبارزه کرد و حتی اگر زنی را روز بعد میخواهند سنگسار کنند و کاری از دستمان هم بر می آید نباید بکنیم. بگذاریم سکنینه و سکنینه ها سنگسار شوند تا وقتی که نوبت مبارزه برای آزادی سنگسار شدگان هم برسد! شیرین عبادی جایجا اعلام میکند که البته من با سنگسار مخالفم. باید گفت ممنونیم خانم عبادی که از سنگسار طرفداری نمیکند. واقعا فهمیدیم که شما مخالف سنگسار هستید! ممنون که نشان دادید که بخاطر همان داد و قالها و جنجالها یعنی جنبش جهانی و کسانی مثل مینا احدی است که شما امروز بجای این که بگویید اسلام با حقوق بشر تناقض ندارد ناچارید مرتب بگویید با سنگسار مخالف هستید. با سنگسار مخالف هستید اما اگر زنی را فردا صبح میخواهند سنگسار کنند و عده ای برای جلوگیری از این توحش گندیده قرون وسطایی با خشم و نگرانی از خانه هایشان میریزند بیرون و علیه حکومت سنگسار اسلامی شعار میدهند شما البته با متانت میگویید نه! دست نگه دارید! الان نوبت این زن غیر سیاسی که گناهی هم مرتکب شده و مجازاتش را کشیده نیست که آزادش کنید. اول نوبت زندانیان سیاسی است که "بیگناه" به زندان رفته اند. و شما خانم عبادی حاضر هم نیستید نام چهارتا کارگر زندانی یا زندانی کمونیست و چپ و غیر خودی را بیاورید بلکه زندانیان

سیاسی معینی را مد نظر دارید. واقعا چقدر باید از شما ممنون بود که زیر جملات دفاع از حقوق بشر عده ای مثل خودتان را رو آوردید و به همه نشان دادید که چقدر شما و اینها مدافع حقوق بشرید. ممنون که به همه نشان دادید که حقوق سکنینه و سکنینه ها جزو حقوق بشر کذایی شما نیست. حقوق زن به قهقرا رانده شده توسط جانوران آدمخوار اسلامی جزو حقوق بشر شما نیست. او غیر سیاسی است. او زنا کرده. او گمنام است. او عادی است. از خودیها نیست. او...باید مجازات شود. یک جمله "من با سنگسار مخالفم" را بعنوان طهارت کافی است بگوییم و کارهای مهم خود را بکنیم. واقعا که خانم عبادی گل کاشتید با این حقوق بشرتان.

کمی هم لجن

شیرین عبادی البته پا را از این هم فراتر میگذارد و کمی هم لجن به سوی جنبش جهانی علیه سنگسار حواله میدهد. میگوید وزارت اطلاعات به نحوی شرایطی ایجاد کرده که این جنجال راه بیفتد تا مساله زندانیان سیاسی تحت الشعاع قرار گیرد. روشن است که هر مغز ساده ای هم میتواند بفهمد که طرح مساله زندانیان سیاسی و آنرا آلترناتیو مبارزه علیه سنگسار قرار دادن، فقط هذیان گویی است. هر مغز ساده ای میتواند بفهمد که مبارزه برای آزادی سکنینه و سکنینه ها و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی و در جهان منزوی و رسوا کردنش نه فقط فضایی مناسبتر برای جمهوری اسلامی ایجاد نمیکند که فشار بیشتری روی زندانیان سیاسی بگذارد چه رسد که کسی را اعدام کند، بلکه برعکس کار جنایتکاران حکومت را به درجات زیادی مشکل و مشکل تر میکند. بخاطر این شیرین عبادی نیاز پیدا میکند که یک تخم مرغ گندیده و یک مقداری لجن هم به سوی جنبش انسانی علیه سنگسار پرتاب کند. گویا وزارت اطلاعات زمینه سازی کرده که این جنبش راه بیفتد تا اذهان را از مساله زندانیان سیاسی دور کند! برآستی انسان میماند به این استدلال جز هذیان گویی چه بگوید. تصورش را بکنید جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعاتش نشسته اند و محاسبه کرده اند که اگر مردم دنیا آنها را به عنوان حکومت متعفن ضد بشری و قرون وسطایی بشناسند به نفعشان

سطح جهان علیه جمهوری کثیف اسلامی به شوق می آید و آستین بالا میزند و این جنبش را با تمام توان تقویت میکند. زیرا این جنبش دارد ریشه جمهوری زندان و شکنجه را تکان میدهد. این جنبش دارد علیه جمهوری اسلامی نیرویی دهها میلیونی بسیج میکند. این جنبش دارد به هر کودک دبستانی میگوید این یک دیکتاتوری ضد انسانی است و باید سرنگون شود. کدام زندانی سیاسی است که از بسیج اینهمه نیروی جهانی علیه حکومت به شوق نمی آید؟ کدام زندانی سیاسی است که نمیداند که وقتی شما حکومت سرکوب را از روزنه سنگسار هم بکوبید فضا را برای مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و ایجاد جامعه ای بدون زندانی سیاسی هموار کرده اید؟ تازه شیرین عبادی میدانند که همین ها که در راس کمپین جهانی علیه سنگسار هستند، همینها در راس کمپینها و مبارزات و کارزارهای متعددی برای آزادی زندانی سیاسی هم بوده اند و هستند و بیش از هرکسی برای این امر و برای آزادی همه زندانیان سیاسی و از جمله شیوا نظر آهاری تلاش کرده اند میکنند. این واقعیت است که امثال شیرین عبادی را به جایی میکشاند که طنین انسان دوستی میلیونها نفر در سطح جهان را "داد و قال و جنجال" بخواند و آنرا به وزارت اطلاعات حکومت اسلامی منتسب کند. واقعا باید از شیرین عبادی تشکر کرد و این افاضات را بعنوان سند گنبدگی و ریاکاری جریانات لیبرال اسلامی که سرگلشان شیرین عبادی بعنوان فعال حقوق بشر است، در تاریخ ثبت کرد.

و بالاخره

سکنینه محمدی يك زن معمولی در ایران بوده است. او اکنون به سمبل زن تحت ستم و تحقیر و قربانی شده در ایران اسلامی تبدیل شده است. حتی اگر این گونه نمی بود باید هر انسانی برای آزادی او تلاش میکرد. مبارزه علیه سنگسار و برای آزادی سکنینه ها مساله همه مردمی است که میخواهند از شر نکبت جمهوری اسلامی خلاص شوند. مساله همه زنانی است که نکبت بی حقوقی و آپارتاید جنسی را با گوشت و پوست لمس کرده اند و زجر کشیده اند. مساله همه کارگرانی است که

حکم بازداشت رضا شهابی برای دو ماه دیگر تمدید شد

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود



بعد از ۷۶ روز بازداشت هنوز خبری از بهنام ابراهیم زاده در دست نیست

بهنام ابراهیم زاده از بند ۲۰۹ به مکان نامعلومی منتقل امروز پنجشنبه ۴ شهریور خانواده بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و فعالین دفاع از حقوق کودکان، برای کسب خبر از وی به زندان اوین مراجعه کردند. اما باز هم به آنها پاسخی داده نشد. بهنام ۲۲ خرداد دستگیر شده و هم اکنون ۷۶ روز است که در زندان به سر میبرد. در این مدت هیچ تماس و ملاقاتی با خانواده اش نداشته است و این موضوع خانواده او را بسیار نگران کرده است. در هفته گذشته به آنها وعده داده شده بود که امروز از وضع بهنام با خبر خواهند شد، اما در مراجعه امروز به آنها گفته شد که بهنام را یکماه پیش از بند ۲۰۹ منتقل کرده اند و هفته دیگر مراجعه کنید. اگر به بند برگردانده شده باشد، از وضعیتش باخبر خواهید شد. بدون اینکه اطلاعاتی از محل بازداشت بهنام و وضعیتش بدهند. تنها خبری که خانواده بهنام دارند از همان اولین روز بازداشتش است که مطلع شدند بدلیل ضرب و شتم شدید از ناحیه

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۴ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۶ اوت ۲۰۱۰

از صفحه ۷

با تشکر از خانم شیرین عبادی ...

میخواهند از فقر و مشقت و سرکوب طاقت فرسا رهایی یابند. این يك آژیتاسیون نیست. واقعیتی است. سنگسار میکنند تا بتوانند کل ماشین جنایت و سرکوب و چپاول و تبعیض را سرپا نگه دارند. این حکومت همه چیزش جهنمی و کثیف و ضد انسانی است. از هر جای شود افزایش کرد باید کرد. از هر جایی شود زیر فشارش قرار داد باید داد. هر کس که قلبش برای خلاصی مردم ایران از شر حکومت منفور جمهوری اسلامی می طپد قطعاً تردید نمیکند که به جنبش علیه سنگسار بپیوندند. این اولین بار است که اپوزیسیون رادیکال و چپ ایران دارد يك مساله را به موضوعی بین المللی تبدیل میکند. این اولین بار است که حتی دولتهای جهان ناچار

میباشند نسبت به کمپین و کارزاری عکس العمل نشان دهند که مساله همه مردم شریف در ایران است. بهانه اینکه زندانی سیاسی چه میشود که يك نمونه اش را مرور کردیم، و بحثهایی نظیر اینکه مسائل مهمتری وجود دارد که به آن بپردازیم در بهترین حالت گویای گم کردن راه و مسیر و هدف مبارزه و آزادیخواهی است. ما از همگان میخواهیم که بدون هیچ تردیدی و فعالانه به این جنبش بپیوندند. این مبارزه جا را برای هیچ کس و برای هیچ مبارزه دیگری تنگ نکرده است. برعکس فضای بیشتری برای مقابله با جمهوری اسلامی در همه سطوح مهیا نموده است. باید چشم ها را باز کرد و این واقعیت را دید.*

یک دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

مردم ایران است. همچنین طومار اعتراضی "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در جریان است. تا کنون بسیاری از فعالین کارگری که بیشتر از فعالین اتحادیه های کارگری از کشورهای مختلف هستند و نیز فعالین سیاسی و انسانیهای آزادیخواه این طومار را امضا کرده و همبستگی خود را با آن اعلام داشته اند. برای امضای این کمپین و پیوستن به این کارزار میتوانید از طریق وب لاگ ویژه آن اقدام کنید.

خود را فعال این کمپین بدانید و به هر شکلی که میتوانید این کارزار را تقویت و پشتیبانی کنید. رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۳۱ مرداد ۱۳۸۹ - ۲۲ اوت ۲۰۱۰



تهدید آنان متوقف گردد. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" همه کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و کل جامعه را به پیوستن به کارزار برای آزادی کارگران زندانی و لغو همه پرونده های قضایی تشکیل شده برای کارگران و متوقف کردن فشار بر روی رهبران کارگری فرامیخواند. خود را فعال این کمپین بدانید و به هر شکل که میتوانید در پیشبرد قدرتمند این کارزار جهانی یاری رسانید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد
۱ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۳ اوت ۲۰۱۰

دیگر بازداشت وی را تمدید کرده اند. رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" کارزاری جهانی را برای آزادی کارگران زندانی از زندان در دستور کارش دارد. هفده هزار کارگر شرکت واحد، ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه و نیروی عظیم کارگران و خانواده هایشان نقش مهمی در آزاد کردن کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان دارند. باید با تمام این نیرو به میدان آمد.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" همه کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و همه بخش های جامعه را به حمایت وسیع از این کارزار فرا میخواند. بازداشت کارگران زندانی تا کنون اعتراضات گسترده ای از سوی اتحادیه های بین المللی کارگری در پی داشته است. يك اقدام مهم این کارزار جلب بیشترین همبستگی جهانی با کارگران زندانی و مبارزات کارگران و

رضا شهابی از رهبران سندیکای شرکت واحد و از فعالین سرشناس و محبوب کارگری ۷۲ روز است که در زندان است. جرم رضا شهابی شرکت در اعتصابات باشکوه کارگران واحد در سال ۸۴ و شرکت در تشکیل سندیکای واحد است. جرم رضا شهابی اعتراض او برای داشتن يك زندگی انسانی و دفاع از حق و حقوق کارگران است. جرمی که هم اکنون منصور اسانلو، ابراهیم مددی و عضو دیگر هیات مدیره سندیکای واحد بخاطرش در زندانند و بهنام ابراهیم زاده فعال دیگر کارگری بخاطر آن بیش از دو ماه است که در زندان بسر میبرد.

رضا شهابی بدنبال بیش از دو ماه زندان، روز پنجشنبه ۲۸ مرداد در بند ۲۰۹ موفق به دیدار خانواده خود شد. او قبل از آن تنها چند تماس تلفنی داشته است. بنا بر اخبار منتشر شده او در تماس کوتاهی که در ۲۴ مرداد با خانواده خود داشته است، اطلاع داده است که جنایتکاران جمهوری اسلامی دو ماه

احضار سعید یوزی به دادگاه محکوم است

پرونده های قضایی تشکیل شده برای فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی باید فوراً لغو شود

یوزی را شدیداً محکوم میکند. در جمهوری اسلامی تلاش برای ایجاد تشکل، اعتراض و اعتصاب برای خواسته های برحق خود، برپایی مراسم اول مه، تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام، جرم محسوب میشود و حکم همه این جرائم نیز زندان و شکنجه است. جمهوری اسلامی کارگران را بخاطر برپایی اول مه به شلاق کشیده و دستگیر و زندانی کرده است. مبارزه برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان، مبارزه علیه این قوانین برده وار و رهایی عزیزان خود از چنگ زندان و شکنجه جمهوری اسلامی است.

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده باید فوراً از زندان آزاد شوند. تمامی پرونده های قضایی تشکیل شده برای فعالین کارگری باید لغو شود و فشار

روز ۳۱ شهریور سعید یوزی از فعالین کارگری شناخته شده و دستگیر شدگان اول مه سال ۸۸، به شعبه ۱۰ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در تهران احضار شد. او در این روز با حضور نماینده دادستان، قاضی و وکیلش خلیل بهرامیان مورد محاکمه قرار گرفت و اتهاماتش اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، شرکت در برپایی تجمع غیرقانونی اعلام گردید. تصمیم دادگاه جمهوری اسلامی متعاقباً توسط وکیل وی به او ابلاغ خواهد شد.

سعید یوزی در دستگیری های اول ماه مه ۸۸ (روز جهانی کارگر) ۵۴ روز در زندان بود و با قید وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد گردید.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" احضار و محاکمه سعید

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

واردات، یک عرصه...

محمد شکوهی



از صفحه ۱

دستگاه از وزارتخانه های جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، بهداشت، نفت، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و ترابری، علوم، تحقیقات و فناوری و ارتباطات و فناوری و اطلاعات به صورت مستقیم مجوزهای ابتدایی را برای ثبت سفارش کالاها صادر می کنند، اما تلقی همگان این است که وزارت بازرگانی تنها مسئول واردات کالاها است، در حالیکه این وزارتخانه، تنها فرآیند اداری و دبیرخانه ای ثبت سفارش را به عهده دارد. در ادامه بحث مربوط به اقلام وارداتی و سهمیه های وزارت خانه ها یک مقام دیگر وزارت بازرگانی رژیم می گوید: وزارت جهاد کشاورزی برای ۷۰۰ ردیف از کالاها، وزارت بهداشت برای ۱۵۰۰ ردیف کالا و سایر دستگاهها برای حدود ۱۰۰۰ ردیف تعرفه های کالا در کتاب مقررات واردات و صادرات اقدام به صدور مجوز می کنند! و دست آخر مدیرکل دفتر ثبت سفارش سازمان توسعه تجارت رژیم در باره تقسیمات کالایی می گوید: بر اساس ماده ۲ قانون مقررات واردات و صادرات، کالاها مجاز وارداتی به سه گروه کالاها مجاز، کالاها مشروط و کالاها ممنوع تقسیم می شوند. کالاها مجاز کالاهایی هستند که ورود آنها با رعایت ضوابط نیاز به کسب مجوز ندارند، کالاهای مشروط کالاهایی هستند که ورود آنها با کسب مجوز امکان پذیر است و کالاهای ممنوع هم کالاهایی محسوب می شوند که صدور یا ورود آنها به موجب شرع مقدس اسلام و یا قانون ممنوع است. کالاها مجاز کالاهایی هستند که ورودشان احتیاج به کسب مجوز ندارد! این را خود قوانین و مقررات واردات حکومت می گوید. حال این "کالاهای مجاز" را وارد کرده اند اما در جریان رقابت باندهای حکومتی و بیویژه نظر "موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی" که تحت کنترل وزارت بازرگانی می باشد، همین ها بی کیفیت اعلام می شود. در این رقابت ها در ادامه بحث و دعوای

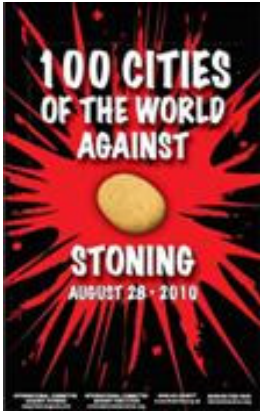
ترخیص میکنند. دولت هم در راس همه اینها قرار دارد و هر طوریکه که خودش صلاح می داند و هر مقدار ارز و اعتبار که لازم باشد، تعیین کرده و برای اجرایی شدن به وزارتخانه ها و مراکز تحت کنترلش برای عملی کردن سیاستهای وارداتی اش ابلاغ می کند. این تا آنجایی که قوانین حکومتی برمی گردد. بخش مهمتر سیاستها و اقلام وارداتی رژیم مربوط به واردات تکنولوژی، کالاهای مربوط به صنعت امنیت و نظامی، تجهیز دم و دستگاه سرکوب و تلاش برای گسترش صنایع مرتبط با انرژی هسته ای بوده که مستقیماً علاوه بر دولت تحت نظر مستقیم خامنه ای و باندهای امنیتی نظیر وزارت کشور، اطلاعات و امنیت، سپاه و بسیج، و مافیای جاگرفته در شرکت های وابسته به غولهای اقتصادی نظیر بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد امام بوده، که ارقام نجومی را که اسم رمز "ضروری و امنیتی" را یدک می کشد تحت کنترل دارند. این عرصه پرسود را باید جداگانه به آن پرداخت. اما برگردیم به این ۱۷۰ قلم کالای بی کیفیت! با توضیحاتی که در بالا داده شده باید معلوم شده باشد که این کالاها بی کیفیت را چه کسی سفارش داده، شیوه و نحوه تعیین قیمت چگونه بوده، و کدام واسطه اینها را وارد بازار کرده است. این اقلامی که مقام حکومتی اعلام کرده تنها بخش خیلی کوچکی از بخور و بچاپهای دولتی و وزارتخانه های مربوطه در همراهی با گمرکات حکومتی می باشد. اینها کالا را وارد کرده اند. به قیمت چندین برابر تولید شده در بازار فروخته و سودهای کلانی به جیب زده اند. بعد در دعوای خودی شان سر اینکه کدام باند بیشتر باید بلزد و سهمش از این معاملات چقدر باید باشد، از موسسه تحقیقات استاندارد صنعتی شان خواسته اند که اعلام بکنند این ۱۷۰ قلم کالای بی کیفیت و بخشا بنجل می باشد و باید جلوی وارداتشان گرفته شود. خودشان می گویند که کالاها بی کیفیت هستند. خودشان خریده اند. خودشان به مردم قالب کرده اند حالا می گویند بی کیفیت می باشد! در هر نظام سرمایه داری ضد کارگر و ضد مردمی که روابط و مناسبات کالایی حداقل

"مدرن" بورژوازی را یدک می کشد، هم خریدارو هم فروشنده وارد قرارداد مبادله می شوند. در مبادله کالاها قوانین و حقوق و مقررات سرمایه داری و بخشا "اطمینان" خریدار از کالایی که می خرد تا حدودی ضابطه مند است و خریدار می تواند کالای نامرغوب را پس داده و پولش را بگیرد. اینها حداقل های عملکرد یک اقتصاد بورژوازی است که ظاهراً هم آزاد صورت می گیرد. ولی در نظام سرمایه داری در هم ریخته و بچاپ بچاپ نوع جمهوری اسلامی کالای بی کیفیت را به مردم قالب می کنند. دولت و مسئولان حکومتی هم اعتراف می کنند که این کالاها بی کیفیت است، ولی حضرات خودشان را موظف نمی دانند که توضیحات بیشتری به خریداران داده و حداقل نگرانی شان را رفع کنند. اما داستان فقط این ۱۷۰ قلم کالا نبوده و نیست. خودشان همین دو ماه پیش اعلام کردند که نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار کالای "قاچاق" هر ساله وارد کشور می شود که گویا دولت توانسته نزدیک به ۵ میلیارد دلار کالای قاچاق را ضبط بنماید. ستاد "مبارزه با قاچاق کالا" سازماندهی کرده اند و اخیراً قاضی مرتضوی جلال را در راس آن قرار دادند که جلوی قاچاق را بگیرد. هر روز خود مقامات ریز و درشت مجبور می شوند اعتراف بکنند که کارهای ستادهایشان خوب پیش نمی رود، که "مراکز متعدد تصمیم گیری" مانع تراسی می کنند، که مافیای قاچاق کالا و حتی ارزهای خارجی به حلقه های حامیان مقامات بلند پایه حکومتی و دولت وصل بوده و بازرسان مربوطه برای پیگیری موضوع مشکلات عدیده ای دارند. عرصه واردات در جمهوری اسلامی یک عرصه بسیار بزرگ و گسترده از شبکه های سازمانیافته مافیای قاچاق و دزدی حکومتی می باشد. در راس این عرصه دولت احمدی نژاد - خامنه ای، با چندین وزارت خانه، گمرکات زمینی، دریایی، مرزهای آبی، با شبکه امنیتی و بخشا نظامی وابسته به سپاه و بسیج و سایر مراکز پرنفوذ حکومتی قرار دارند که کل این دزدیها را سازمان داده و مدیریت می نمایند. وزارت بازرگانی سفارش می

دهد و سفارش خودش را ثبت می کند. دولت و گمرکات و سازمانهای مربوطه اجازه ورود کالا و ترخیص از گمرکات را صادر می کنند. با دلارهای نفتی خرید کالاها بی کیفیت و ارزان را انجام می دهند، گمرکات حکومتی و اداره جاتی چون موسسه تحقیقات استاندارد صنعتی مجوز پخش کالای وارد شده را با مهر "استاندارد تأیید شده" صادر کرده، خریداران عمده در داخل بازار و واسطه ها در قبال پرداخت رشوه های کلان و زیر میزی معمول، در ابعاد بزرگ خریده و به قیمت چندین برابر با تاکید بر اینکه کالا "مرغوب" بوده و تأیید دولت و وزارت بازرگانی را دارد، به مردم قالب کرده واز این طریق میلیاردها دلار پول، که ظاهراً در مبادله خرید و فروش کالا و خدمات ارائه شده بدست آورده اند، رسماً دزدیده و به جیب زده و جیب مردم فقیر را خالی می کنند. جدید ترین نمونه ای از این شیوه واردات اسلامی که گندش در آمده است تبلیغ و فروش "دستگاههای کاهنده مصرف برق با نصب در منازل و محل کار" می باشد. در همین رابطه کار به جایی رسیده که وزارت نیرو مجبور به صدور اطلاعیه شده و گفته است که "شرکت توانیر هیچ نوع دستگاه کاهنده مصرف برق را تأیید نکرده و استفاده از این وسایل مورد تأیید و مجاز نمی باشد و در صورت استفاده از ایجاد ضرر و زیان به انشعابهای برق مشترکان، وزارت نیرو هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت". این در حالی است که برای واردات کالاهای الکترونیکی و قطعات مورد نیاز صنعت برق بنابر ادعای دولت که مربوط به تقسیم بندی "ضروری" می باشد، باید وزارت بازرگانی مجوز صادر کرده و رسماً باید ثبت بشود. همین نمونه که وزارت نیرو را وادار به صدور اطلاعیه کرده خود تأییدی بر این است که بدون تأیید و اطلاع وزارت بازرگانی واردات این دستگاهها نمی توانست صورت بگیرد. یکی دیگر از ضد انسانی ترین مورد این گونه واردات ها، واردات برنج های آلوده میباشد. که خودشان رسماً اعلام کرده اند ۱۴ نوعش آلوده است و باید از بازار و انبارها جمع بشود. ولی

صفحه ۱۰

اساس سوسیالیسم انسان است



کنیا: نایروبی

گرجستان: تفلیس

نروژ: اسلو

نیجریه

هلند: آمستردام، آیندهوون

گرونیکن، هاگ

هند: بننگالور

یونان: آتن

۱۱۳ آکسیون در ۱۱۰ شهر جهان در روز جهانی علیه سنگسار

زوته گم

پرتقال: لیسبون

ترکیه: آنکارا، دیدیم

دانمارک: کپنهاگ

سوئد: استکهلم، اوپسالا، اوربرو،

بوروس، کارلسکرونا، گوتنبرگ،

لوند، مالمو، نورشپینگ، ویسی،

هسله هولم، هلسینگبوری، یوله

عراق: بغداد، کرکوک

فرانسه: بزانه، پاریس، تولوز، لیون،

مانت پلیه، ناربون

فنلاند: تامپره

لهستان: ورشو، وروکلاو

کانادا: آبشار نیاگارا، اتاوا، انتاریو،

پتربوروگ، انتاریو، هامیلتون،

تورتو، مونترآل، ونکوور، ویکتوریا

میدان دوپون

اسپانیا: بارسلون

استرالیا: بایرون بی، بریس بین،

سیدنی، هویارت

اسرائیل: تل آویو

اطریش: وین

انگلستان: برادفورد، بیرمنگام،

ریچموند، سنت آلبانز، گلاسگو، لایم

رگیس، لندن، لیورپول، منچستر،

نیوکاسل، ویمبورن، بورنموث

ایرلند: دوپلین، واترفورد

ایسلند: ریکیاویک

برزیل: میناس گرایس، ترس

پونتاس، میناس گرایس، آلفناس،

سان پائولو، کمپیناس، پورتو آلگرو

بلژیک: بروکسل، شارله روی، لالویه،

خواهد یافت. اما ۲۸ اوت نقطه عطفی خواهد بود در مبارزه بر علیه قوانین ضد زن و ضد انسانی که در بسیاری از کشورهای جهان حاکم است. اسامی شهرهایی که در کمپین جهانی ۲۸ اوت شرکت دارند، به شرح زیر است. شما هم به این اتحاد بزرگ جهانی بر علیه سنگسار و اعدام بپیوندید.

آلمان: آوسبورگ، اولم، برلین، برمن، پادربورن، دارمشتات، دورتموند، زویکاو، فرانکفورت، کلن، کرفلد، گیسن، لایپزیک، ماینز، مونیخ، هامبورگ، هانوفر،

آمریکا: آتلانتا، بروکلین، دالاس، سیاتل، شیکاگو، فلوریدا- اورلاندو، کالیفرنیا - بورلی هیلز، کالیفرنیا- لوس آنجلس، نیویورک، هاتیزبرگ، واشنگتن ساعت ۱۲ مقابل سفارت پاکستان، واشینگتن- ساعت ۱۴

صف انسانیت بپا خاسته است. در پنج قاره جهان انسانهای شریف و آزادیخواه انزجار و اعتراض خود را به جنایات حکومت اسلامی اعلام کرده اند. در بیش از صد شهر جهان در روز ۲۸ اوت گرد هم می آیند تا یکصدا فریاد کنند به سنگسار و اعدام پایان دهید. ۲۸ اوت روز جهانی نجات سکینه نام گرفته است. اما این روز مبارزه با رژیم است که اجرای صدها حکم سنگسار و هزاران حکم اعدام را در پرونده کشیف خود دارد. این روز مبارزه با توحشی است که گریبان صدها میلیون انسان را در کشورهای مختلف و بویژه ایران گرفته است.

بزرگترین همبستگی جهانی در مبارزه با سنگسار و اعدام شکل گرفته است. این حرکت بزرگ به یک روز و به این صد شهر محدود نخواهد شد و دامنه آن گسترش

کارگران مخابرات راه دور شیراز بار دیگر تجمع کردند

به آنها پرداخت میشود. تا اوضاع آرام نگاه دارند.

کارگران این کارخانه بدلیل عدم دریافت دستمزدهایشان در وضع معیشتی بسیار بدی بسر میبرند. بنا بر اخبار وضعیت آنچنان فشاری به کارگران آورده است که بسیاری از خانواده برخی از آنان از هم پاشیده شده است و بعضا فرزندانیشان از تحصیل محروم شده اند و در این دو ساله دو مورد ما شاهد اقدام به خودکشی دو کارگر در این کارخانه بودیم. فضای اعتراض در این کارخانه بالاست و کارگران اعلام کرده اند که تا وقتی که همه طلبهایشان را نگیرند، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. در این کارخانه ۶۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند. نپرداختن دستمزد ناچیز کارگران، تحمیل فقر و مصیبت و بردگی به آنان و خانواده هایشان جنایتی آشکار علیه کارگران است. هیچ عذر و بهانه ای نپرداختن دستمزد ها را توجیه نمی کند.

روز ۳ شهریور جمعی از کارگران کارخانجات مخابراتی راه دور ایران (ITI) در شیراز، در اعتراض به ۱۶ ماه دستمزد پرداخت نشده خود بار دیگر در مقابل این کارخانه تجمع کردند. در این تجمع کارگران با شعارهایی مثل "زندگی، معیشت، حق مسلم ماست" و "حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد"، خواهان دستمزدها و مطالباتشان شدند.

این کارگران در پی اعتراضات متوالی خود و وعده و وعید های فراوان در این ماه توانستند تنها یک ماه از طلبهایشان را نقد کنند. در حرکات اعتراضی قبلی این کارگران اعلام شده بود که مبلغ ۱۵ میلیارد تومان نقدینگی به این کارخانه واگذار خواهد شد تا از محل آن طلبهای کارگران پرداخت شود. اما هیچ خبری از این تصمیم نشده است و کارگران همچنان در بلاتکلیفی قرار دارند. بنا بر خبرها برخی از این کارگران بیش از ۱۶ ماه دستمزد طلب دارند و هر از سه چهار ماهی ۳۰۰ هزار تومان

دستمزدهای پرداخت نشده، کارگران باید فوراً پرداخت شود.

کارگران مخابرات راه دور همواره مبارزات گسترده ای برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده خود داشته اند. شرکت وسیع خانواده های کارگری در این مبارزات، متحد کردن صف کارگران در مجمع عمومی کارگری و رساندن صدای اعتراض خود به جامعه و جلب همبستگی مردم همه و همه گامهای مهمی در پیشروی این مبارزات است. حزب کمونیست کارگری ایران مردم شیراز را به حمایت از کارگران مخابرات راه دور و شرکت در جمععاتشان فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی زنده باد جمهوری سوسیالیستی مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۴ شهریور ۱۳۸۹، ۲۶ اوت ۲۰۱۰

واردات، یک عرصه ...

همین برنج با قیمت بسیار بالایی در مراکز خرید به مردم فروخته می شود. برنج هایی که سلامت مردم را به طور جدی به خطر انداخته اند.

اینجا فقط به دزدی اکتفا نکرده بلکه با سیاستهای ضد انسانی شان در عرصه واردات کالاهای مورد نیاز مردم هر کالای بنجل و بی کیفیت را که بخشا با جان و زندگی مردم رابطه مستقیم دارند، وارد کرده و بدین ترتیب زندگی و سلامت مصرف کنندگان، و بخشا اقشار فقیر و کم درآمد را تهدید می نمایند. نمونه واردات ۱۴ نوع برنج آلوده و عرضه

از صفحه ۸

آن توسط شرکتهای تعاونی وابسته به باندهای حکومتی، بویژه توزیع آن در بخش مربوط به "اقتصاد بن کالاهای اساسی"، که عمدتاً کارگران و مردم فقیر را در بر می گیرد، خطر ابتلا به بیماری در صورت مصرف این برنج ها را افزایش داده است. دولت، وزارت خانه ها به همراه دم و دستگاہهای زیر مجموعه شان کنسرن و مافیای بزرگ دزدی، قاچاق کالا و ارز، را رسماً سازمان داده و هدایت می کنند. جمهوری اسلامی برآستی حکومت دزدان و قاتلان و مافیا است.*

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶ : FEC، پلازیاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران

در شبکه KBC ببینید.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کمک مالی به کانال جدید

حوزه انترناسیونال در ماه مرداد مبلغ ۶۸۰۰۰۰ تومان کمک مالی به کانال جدید

پرداخت کرده است. با تشکر از کانال جدید

آزادی، برابری، حکومت کارگری!